



## کتاب‌های دوره آموزش متوسطه اول در بوتۀ نقد

گپ و گفت با معلمان اهل سنت

رضانعلی ابراهیمزاده گرجی  
مهدی مروجی

نگارش و ... مشهود است که از معلمان دوره‌های سه‌گانه، مخصوصاً ابتدایی به‌درستی استفاده نشده است و دارای ارتباط مؤثر نبوده‌اند.

از جمله مزایای کتاب این است که معلم یا دانش‌آموز را از حالت انفعالی و فقط شنونده بودن خارج می‌کند و او را وامی‌دارد، در بحث و گفت‌وگو شرکت کند. بحث و گفت‌وگو همه به وقت نیاز دارد؛ به‌ویژه که دانش‌آموز دوست دارد، در مواردی مثل احکام و اخلاق بحث کند. در دنیای امروز که دغدغه اخلاقی داریم، معلم خیلی تأثیرگذار است. اگر وقت باشد که دانش‌آموز در کلاس بحث کند، خیلی مثمرتر خواهد بود.

برخی از قسمت‌های کتاب برای دانش‌آموز پایه هفتم ثقیل است و قابل فهم نیست. کتاب خیلی خشک است. نه تصویر مناسب و نه جاذبه‌ای دارد تا رغبت دانش‌آموز را برانگیزد. دانش‌آموز فقط مطالب را می‌خواند و حفظ می‌کند تا برای رفتن به کلاس بالاتر نمره بگیرد. قسمت تحقیق و پیشنهاد باید در اختیار معلم باشد، نه کتاب. یعنی معلم موضوع را مشخص کند نه کتاب. در بخش قرآن، بهتر است دانش‌آموز تمرین‌ها را بررسی کند و جواب بدهد و این کار را کتاب نکند. «معانی کمکی» اشکالی ایجاد نمی‌کند، اما به صورت جمله‌ای به رنگ آبی که توسط مؤلفان در کتاب نوشته شده است، نه تنها کارایی ندارد، بلکه اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

**علی بهشتی:** مثال‌های کتاب، عینی‌تر و به‌روز

### اشاره

فروزان میره‌وند، با ۲۱ سال سابقه تدریس در دوره‌های متوسطه اول و دوم، که یک مرکز پیش‌دبستانی را نیز مدیریت می‌کند.

بهاره جعفری، دارای مدرک کارشناسی دینی و عربی، کارشناسی ارشد مدیریت و دانشجوی دوره دکتری مدیریت اجرایی است که اکنون در «مدرسه نمونه دولتی شهید مرادی» سنندج تدریس می‌کند. و فرشته علی بهشتی، با مدرک کارشناسی ارشد الهیات و فقه شافعی و ۲۰ سال سابقه تدریس، در حال حاضر در مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی تدریس می‌کند.

این سه تن از معلمان با سابقه‌اند که آرای خود را با خبرنگاران فصل‌نامه «رشد آموزش قرآن و معارف دینی» درباره کتاب «پیام‌های آسمان» پایه اول در میان گذاشتند. آنچه می‌خوانید نتیجه تجربه ایشان در تدریس این کتاب است.

شما کتاب «پیام‌های آسمان» را تدریس می‌کنید، اما سؤال ما شما را در جایگاه مؤلف می‌نشانند. بفرمایید، اگر شما مؤلف بودید، چه تغییراتی در کتاب به وجود می‌آوردید؛ در عناوین شانزده‌گانه درس‌ها؛ در محتوای زیرعنوان‌ها؛ در بخش تدبیر؛ فعالیت‌ها؛ بیشتر بدانید؛ و در بخش پیشنهاد.

**جعفری:** کتاب پایه هفتم با عنوان پیام آسمان، متن و حجم زیادی برای دانش‌آموز دارد. معمولاً در تألیف کتاب‌های درسی از معلمان مربوط استفاده می‌شود، اما در کتاب پیام‌های آسمان، براساس نوع



شوند. داستان‌ها برایم جالب‌اند، اما مثل‌ها خیلی قدیمی هستند، در حالی که مطالب دینی باید با زندگی بچه‌ها عجین شوند. بچه‌ها که از مدرسه به خانه می‌روند، باید درباره آن‌ها فکر کنند، نه اینکه در آخر درس کلاس، کتاب را ببندند و بعد وقت امتحان آن را حفظ کنند. مثال‌ها باید درباره فضای مجازی هم باشند تا بچه‌ها بتوانند راحت‌تر آن را در پیوند با زندگی‌شان ببینند.

**میرهوند:** یکی از اشتباهات نظام آموزشی ما، عدم تلفیق آیات قرآن با زندگی عملی است. تا آن حد که قرآن کریم به تنهایی به کنجی رانده شده است و تا حالت کلیشه‌ای و تشریفاتی بیاید اما سعی نشده است، بحث‌ها و تبادل نظرهای جمع‌ها و همایش‌ها و حتی جمع‌های فضای مجازی، به دروس دینی راه پیدا کند. بیشتر درس‌های دینی نظری است. دلیل کم‌توجهی نوجوانان و جوانان همه ریشه سیاسی اجتماعی دارد و نه اعتقادی. می‌توان ضمن تدریس علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و ریاضیات و غیره، مفاهیم قرآنی را هم لحاظ کرد و شانه به شانه در طول سال تحصیلی آن را به جلو برد و تقویت کرد. برای مقطع نوجوانی و به‌منظور پاسخ دینی به بسیاری از سؤال‌های نوظهور، باید کار گروهی متشکل از فقیه، روان‌شناس، جامعه‌شناس و متخصصان مسلط به علوم روز و با بهره‌گیری از ادوات نوین آموزشی تشکیل شود. اما کتاب دینی پایه هفتم در این زمینه کمتر کاربردی دارد و در روند اخلاقی دانش‌آموز من هیچ تأثیری نمی‌گذارد. همچنان که خانم جعفری فرمودند، فقط حفظ می‌کنند و نمره می‌گیرند و تمام.

بنده که معلمی با ۲۱ سال سابقه تدریس هستم، ۱۲ درس تدوین کرده‌ام تا در کلاس پایه هفتم تدریس شوند. درس‌ها از این قرارند: درس اول: اثبات وجود خدا؛ درس دوم: حضرت آدم؛ درس سوم: هستی؛ درس چهارم: حقانیت پیامبر (ص)؛ درس پنجم: وحی؛ درس ششم: معجزات؛ درس هفتم: اسلام؛ درس هشتم: توحید؛ درس نهم: انحراف در بشریت؛ درس دهم: یهودیت؛ درس یازدهم: مسیحیت؛ درس دوازدهم: معاد.

طی ۲۰ جلسه این ۱۲ موضوع در مراکز آزاد علمی تدریس می‌شوند. با اجازه شما درس اول را توضیح می‌دهم. درس باید با آیات قرآنی متناسب با موضوع شروع شود. درس اول با این آیه قرآنی آغاز می‌شود که خداوند می‌فرماید: «انتم تخلقونہ ام نحن الخالقون (واقعہ/ ۵۹): آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟!»

این آیه درباره اصل موضوع است. سپس نکاتی درباره اثبات وجود خداوند یا داستان‌هایی را در این

مورد مطرح می‌کنم تا برای دانش‌آموز عینی شود. مثل این داستان که یکی از بزرگان فرموده است: «روزی عده‌ای بی‌باوران به وجود خدا، پیش وی آمدند و پرسیدند: چگونه ذات الهی را برای ما اثبات می‌کنی؟»

ایشان هم فرمودند: به من خبر رسیده که یک کشتی همراه با آذوقه و بار، بدون خدمه و ملوان و ناخدا روان است و راه خودش را به‌سوی بندر طی می‌کند.

گفتند: چنین چیزی محال است و شما دارید مزاح می‌کنید!

ایشان گفت: اگر چنین چیزی محال است، چطور جهانی با این عظمت و پهناوری و این همه حوادث و مخلوقات بدون هیچ سکان‌دار و خدایی است؟

بعد از شنیدن این سخن، همه آنان مسلمان شدند. با شنیدن این حرف‌ها، دانش‌آموز به فکر فرو می‌رود و به نتیجه می‌رسد که خداوندی هست. برای هر درس هم داستان‌هایی از بزرگان یا امامان را می‌آوریم. **امام جعفر صادق** که **امام شافعی** شاگرد ایشان بود، چه‌طور می‌شود این قدر شاگرد در اطراف ایشان باشد؟ یعنی حرف‌ها را در قالب داستان و روایت بیان می‌کردند.

**ممکن است برای اثبات کلام خودتان نمونه روشنی از کتاب بیاورید؟ گرچه دارید محتوای کل کتاب را نقد می‌کنید.**

**میرهوند:** وقتی می‌خواهم کتاب را تدریس کنم، به دانش‌آموزان می‌گویم، زود کتاب را باز کنید و در مدت یک ربع به سؤال‌ها پاسخ می‌دهم. بعد می‌گویم کتاب را ببندید. آن وقت درس را با وارد کردن بچه‌ها به دنیای حقایق امروز ادامه می‌دهم و هر جلسه اعلام می‌کنم، یک ربع اول جلسه آینده را از شما امتحان کتبی می‌گیرم. امتحان هم همان سؤال و جواب‌هایی است که مطرح شد و تمام دانش‌آموزان نمره ۱۷ به بالا می‌گیرند.

بعد برنامه‌ای را اجرا می‌کنم که اصول اعتقادی دانش‌آموز را بالا ببرم. من سال گذشته برای تعلیم قرآن کریم وقتی به کتاب رجوع کردم، دیدم هیچ تفسیری ندارد و نمی‌توانم در هر کلاس، آیه‌ای را درس بدهم که دانش‌آموز آن را ملاک زندگی خودش قرار بدهد. متوجه شدم، هدف فقط روخوانی و ترجمه است. گفتم اگر هدف مؤلفان فقط روخوانی کتاب با استفاده از ترجمه است، پس در هر جلسه، یک تا دو صفحه معنای واژه‌ها را می‌گویم و از دانش‌آموزان می‌خواهم که واژه‌ها را یاد بگیرند و حفظ کنند.



**من سال گذشته برای تعلیم قرآن کریم وقتی به کتاب رجوع کردم، دیدم هیچ تفسیری ندارد و نمی‌توانم در هر کلاس، آیه‌ای را درس بدهم که دانش‌آموز آن را ملاک زندگی خودش قرار بدهد.**



با کمک مدرسه و خیران برای ۱۵ شاگردی که در پایه‌های اول، دوم و سوم داشتیم، ۱۵ جلد کتاب قرآن تهیه کردم و به آن‌ها دادم. روز اول گفتم: بچه‌ها امروز باید تا آیه ۱۵۰ سوره بقره خوانده شود و هر کدام از شما هم بخوانید. گفتند: آمادگی نداریم. قلم قرآن داشتیم. با استفاده از آن، همه تلاوت می‌کردیم. بعد می‌باید در خانه هم ۱۰۰ آیه بعدی را بخوانند تا موفق شوند قرآن کامل را در طول سال تحصیلی ختم کنند. گفتم در اردیبهشت یا نوروز به مناسبت ختم کامل قرآن می‌خواهم جشنی برگزار کنم.

این برنامه - الحمدلله - در پایان فروردین و اول اردیبهشت به صورت کامل اجرا شد. با همکاری مدیر مدرسه، برای بچه‌ها تقدیرنامه چاپ کردم، محل جشن را تزئین کردم و از بچه‌ها در لباس کردی عکس گرفتم. بعد به هر کدام یک قطعه عکس و تقدیرنامه ختم قرآن را اهدا کردم. بچه‌ها خیلی راحت قرآن را ترجمه می‌کردند.

در تدریس قرآن ابتدا یک آیه را می‌آورم. برای مثال، درباره غیبت کردن این آیه را (آیه ۱۲) از سوره حجرات می‌آورم: «ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرموه.» معنی دو تا لغت مشکل «لا یغتب» و «لحم» را می‌گویم و بعد تفسیر می‌کنم و فواید تربیتی را بیان می‌کنم:

۱. مؤمنان برادران یکدیگرند و حفظ و پاس‌داری از این اخوت واجب است.
۲. هر سخن یا حرکتی که سبب تضعیف یا سستی این روابط شود، حرام است.
۳. برخی از اعمالی که سبب می‌شوند، بین مسلمانان رابطه عداوت و کینه‌توزی به وجود بیاورد، عبارت‌اند از: غیبت؛ گمان بد بردن؛ افترا؛ سخن‌چینی؛ لقب‌تراشی؛ تجسس.
۴. غیبت یعنی در غیاب مسلمان چیزی بگویی که اگر به گوشش برسد، ناراحت شود.

۵. غیبت حرام است چه در مورد خود فرد باشد، چه در مورد شخصی از اعضای خانواده و فرزندان. آیه را هم می‌گویم تا حفظ کنند. روخوانی هم می‌کنیم و بقیه را باید در منزل انجام دهند. پس هدف حفظ آیه است و اینکه پیامش را دریابند تا وقتی به فرض مادرش غیبت می‌کند، بگوید این آیه قرآن است که سفارش می‌کند، غیبت نکنید و آن را از حفظ بخواند.

اگر واقعاً می‌خواهیم برای بچه‌ها آموزش عقیدتی داشته باشیم، راهش این است.

**علی بهشتی:** مطالب شما خیلی واضح و متین بود. بنده با شما موافقم.

در مقدمه کتاب پایه هفتم، مؤلفان مطالبی را خطاب به دانش‌آموزان آورده‌اند. از جمله اینکه پیام‌های آسمان می‌خواهند راه درست زندگی را به شما نشان دهند، خداوند مهربان را به شما معرفی کنند و به شما بگویند، به چه علت از خداوند در کارهای تان کمک می‌خواهید. اضافه می‌کنند: چه هنگام بالغ می‌شوید؟ وظیفه تان در دوران بلوغ چیست؟ و ... به نظر شما که مدرس این درس هستید، آیا این اهداف از طریق محتوای کتاب محقق می‌شوند؟

**علی بهشتی:** به این علت که کلی گفته شده، محتوای کتاب نتوانسته است اهداف مورد نظر را محقق کند. یعنی به مطالب دیگری توجه شده است.

**جعفری:** کتاب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، ضمن آنکه خیلی کلی است. بنده برای تکمیل درس کارشناس دعوت می‌کردم، زیرا مطالب کتاب کافی نیست. یا وسیله کمک آموزشی درست می‌کردم تا دانش‌آموزان متوجه می‌شدند که تأثیر خوبی هم داشت.

**همکار محترم، سرکار خانم میرهوند، همان ابتدا نظرش را درباره کل کتاب بیان داشت. اگر بخواهید می‌توانید به موردی بپردازید تا نظر تان را کامل کند.**

**میرهوند:** آنچه را شما از مقدمه کتاب بیان داشتید، فقط جنبه نظری دارد و معلوم نیست چقدر در عمل به کار بیاید.

**علی بهشتی:** ایرادهایی مثل این مورد دارد. وقتی در کتاب می‌خواهند درباره آیه‌ای توضیح بدهند، مفهوم آیه را دقیق بیان نمی‌کنند. در آیه‌ای مربوط به کمک کردن، معنی و مفهوم آیه را کامل بیان نکرده‌اند. حتی داستان کتاب نیز با متن آن فرق دارد.

در مقدمه به رویکرد جدید اشاره کرده‌اند که عبارت از جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم کردن آنان در کار تدریس است و از همکاران معلم خواسته‌اند که ۲۰ دقیقه از وقت کلاس را به این رویکرد اختصاص بدهند تا یاد دهی و یادگیری آسان شود و دانش‌آموز هم در کلاس فعال باشد. آیا امکان تحقق این هدف مؤلفان را در کلاس دارید؟

**علی بهشتی:** دانش‌آموز یا باید کنفرانس بدهد

**با همکاری مدیر مدرسه، برای بچه‌ها تقدیرنامه چاپ کردم، محل جشن را تزئین کردم و از بچه‌ها در لباس کردی عکس گرفتم. بعد به هر کدام یک قطعه عکس و تقدیرنامه ختم قرآن اهدا کردم. بچه‌ها خیلی راحت قرآن را ترجمه می‌کردند**

یا نمایش اجرا کند. اگر بخواهد نمایش اجرا کند، برخی از داستان‌های کتاب برای مثلاً ۱۰ دقیقه قابلیت اجرا و انتقال پیام ندارند، زیرا خود داستان نیز در انتقال پیام به سختی افتاده است. اگر قرار باشد دو نفر کنفرانس بدهند، همین دو نفر درس را حفظ کرده‌اند، ولی بقیه دانش‌آموزان در این فضا نیستند. حتی معلم شاید با اجبار بتواند توجه دانش‌آموزان را به درس جلب کند. بنده کمتر دینی تدریس می‌کنم، بلکه بیشتر قرآن درس می‌دهم. برای جلب توجه دانش‌آموزان به این درس، هر جلسه فیلم‌های مناسبی را نمایش می‌دهم. یا مهارت زندگی را به تماشا می‌گذارم یا از سی‌دی‌های «مناسب» استفاده می‌کنم و هر جلسه یک ربع را به آن اختصاص می‌دهم. پس از دیدن فیلم نیز نظرشان را بیان می‌کنند.

**شما که بیشتر قرآن تدریس می‌کنید، نظرتان را درباره رسم الخط آن هم بیان بفرمایید.**

**علی بهشتی:** رسم الخط قرآن مدارس با رسم الخط عمومی قرآن تفاوت دارد. وقتی می‌خواهم که قرآن کامل را همراه بیاورند، می‌بینیم در اعراب‌گذاری این دو تفاوت وجود دارد. دانش‌آموزان که علت آن را نمی‌دانند، حیران می‌مانند و دلیل این تفاوت را می‌پرسند. آن وقت باید درباره علائم وقف و به‌طور کامل درباره تجوید توضیح بدهم تا یاد بگیرند؛ قرآن کامل علامت‌گذاری‌های دقیق‌تری دارد، ولی قرآن مدارس چنین نیست. قصد مؤلفان ساده‌سازی است. ولی وقتی قرآن را می‌خوانم، دانش‌آموز دقت دارد و می‌پرسد: «چرا این جور می‌خوانی؟» می‌گویم: من که با اعراب و علائم قرآن کامل آشنایی دارم، این‌طور می‌خوانم.

**این نوع نگارش به نگارش کم‌علامت معروف شده است. می‌خواهند دانش‌آموزان از پایه با این روش قرآن را بخوانند و یاد بگیرند. تجربه تازهای است. برخلاف قرآن‌های دیگر که پر از اعراب و علائم‌اند و حتی افراد باتجربه را در قرائت دچار مشکل می‌کنند. می‌گویند آموزش با این رسم الخط آسان‌تر است و هنگام قرائت نیز امکان اشتباه سهوی خیلی کاهش می‌یابد. آنجا چشم خیلی باید روی علائم متمرکز شود، ولی در شیوه نگارش جدید ذهن فعال می‌شود. به هر حال هنوز جای نقد دارد. لذا از این به بعد هم باید آن را مورد توجه قرار داد و در نقد لحاظ کرد.**

**علی بهشتی:** نکته درستی است که می‌فرمایید، اما باید به مخاطب توجه داشت، باید دید مخاطب ما کیست و چقدر زمینه پذیرش دارد. متأسفانه خیلی از بچه‌هایی که از دوره ابتدایی وارد کلاس هفتم می‌شوند، اصلاً بلد نیستند قرآن بخوانند. «ا» را از «ا» تشخیص نمی‌دهند. یعنی در دوره ابتدایی روی قرآن‌آموزی کار لازم انجام نمی‌شود. چرا؟ زیرا آزمون تیزهوشان یا آزمون مدارس نمونه دولتی دارند! دانش‌آموزان همیشه می‌گویند: خانم کلاس قرآن ما را به معلم ریاضی می‌دهند! یا وقت قرآن را به دبیر علوم می‌دهند. یا می‌گویند: از بیرون معلم آوردند و زنگ قرآن با ما «تست‌زنی» کار می‌کند. به ناچار در جلسه اول باید کلمات قرآن را به همان روش مکتب‌خانه‌ای هجی کنیم. بچه‌ای که به مکتب‌خانه می‌رفت، در شش ماه قرآن را کامل یاد می‌گرفت. بنده خودم با روش هجی کردن قرآن را یاد گرفتم. خیلی هم عالی بود. یکی از دانش‌آموز بنده در اول دبیرستان، حتی یک سطر قرآن را نمی‌توانست بخواند.

**جعفری:** بنده ترجمه تصویری قرآن را تجربه کرده‌ام. یعنی آیه‌ای را به دانش‌آموز می‌دهم و می‌گویم آنچه از آیه متوجه شده‌ای، به صورت تصویر نشان بده! از طریق شکل خطوط و رنگی که به کار می‌برد، فهم خود را بیان می‌کند. متأسفانه در کتاب اصلاً به تصویر توجهی نشده است. وقتی دانش‌آموز بتواند با این روش حتی روی یک آیه کار کند، خیلی با ارزش است؛ زیرا زمینه استعداد دانش‌آموز نیز کشف می‌شود.

**میردوند:** خواهر علی بهشتی درباره مشکلات کلاس قرآن فرمودند. خب این اشکال مدیریت در اداره مدرسه را نشان می‌دهد. ولی از نظر بنده رسم الخط قرآن مدرسه عالی است. دختر خودم کلاس اول ابتدایی است. به معلم دخترم گفتم: هیچ کار آموزشی با دخترم نمی‌کنم، ولی با استفاده از همین رسم الخط و در نتیجه آموزش مدرسه، قشنگ می‌تواند قرآن را بخواند. شکر خدا این رسم الخط خیلی موفق است.

بنده از کلاس قرآن، پنج دقیقه را هم اجازه نمی‌دهم. به درس دیگر بپردازند. متأسفانه مدیریت مدارس توجهی ندارند، باید معلم دینی و قرآن اجازه چنین کاری را ندهد. به‌نظرم این رسم الخط اقدام خوبی است و از حسنات جاریه است.

**علی بهشتی:** لازم است یادآور شوم که حجم آیات کتاب زیاد است. ضمن اینکه مفاهیم آن تکراری‌اند. اکثر آنچه آورده‌اند، سؤال برانگیزند. **میرهوند:** اصلاً چیزی به‌عنوان مفاهیم به‌عنوان توضیح آیات ندارد.



**بنده از کلاس قرآن، پنج دقیقه را هم اجازه نمی‌دهم، به درس دیگر بپردازند. متأسفانه مدیریت مدارس توجهی ندارند، که باید معلم دینی و قرآن اجازه چنین کاری را ندهد**





درباره بخش فعالیت‌ها نیز در مقدمه نکاتی آمده است و نیز درباره بخش «بیشتر بدانیم»، بخش «پیشنهاد» و بخش «الهی». آیا هر یک از این بخش‌ها، یاددهی و یادگیری را آسان می‌کنند؟  
**علی بهشتی:** در مواردی خیلی کم!  
**جعفری:** می‌تواند، به شرطی که جابه‌جا شود.

### چه‌طور جابه‌جا شود؟

**جعفری:** «بیشتر بدانیم» در اول درس قرار بگیرد تا در دانش‌آموز ایجاد انگیزه بکند.  
**علی بهشتی:** من قبول ندارم، زیرا دانش‌آموز اصلاً آن را نمی‌خواند.

**جعفری:** وقتی در ابتدای درس قرار بگیرد که زندگی یکی از بزرگان دینی را بیان می‌کند، در دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کند. ما سرکلاس با تنظیم وقت، حتماً «بیشتر بدانیم» را می‌خوانیم. بخش «الهی» را به صورت خاصی می‌خوانیم؛ به صورت گروهی یا در قالب سرود و از آن مطلب خاصی استنتاج می‌شود. لذا باید در اول کتاب بیاید و همراه با ایجاد انگیزه تا یادگیری دانش‌آموز را افزایش دهد. دانش‌آموز داستان را که می‌خواند، به درس هم توجه بیشتر می‌کند تا بداند درس درباره چه موضوعی است. پارسال درس اول کتاب «شکرگزار» بود. با دانش‌آموزان بعد از پیش‌مطالعه‌ای که داشتند، رفتیم به نانوایی پدر یکی از دانش‌آموزان. آنجا همه دیدند که چه‌طور با زحمت زیاد و عرق جبین نان را آماده می‌کنند. آن وقت متوجه شدند که نباید نانی را که به خانه می‌آید و حتی خرده‌ریزها را اسراف بکنند. مادر یکی از دانش‌آموزان به من می‌گفت: ما دیگر نان دورریز در خانه نداریم. اگر نانی باشد که واقعاً قابل استفاده نباشد، جلوی پرندگان می‌ریزیم. لذا من بدون برنامه مناسب برای هر درس به سرکلاس نمی‌روم. ولی اگر حجم کتاب کمتر بشود، با توجه به تنگنای وقت، مفیدتر خواهد بود.

**میرهوند:** همان‌طور که عرض کردم و خانم جعفری فرمودند، برای اثبات وجود خدا، فکر کردیم یک داستان واقعی را نقل کنیم. داستان برای دانش‌آموز پایه هفتم خیلی مهم است و همین بخش «بیشتر بدانیم» کتاب، پایه یادگیری دانش‌آموز است. البته اگر پس از آوردن یک آیه داستان بیاید، دانش‌آموز درک می‌کند و «پیام»‌هایش را در می‌یابد. لذا دیگر بخش‌ها را اضافه می‌دانم، اما می‌گویم بروید تحقیق کنید و روایت و داستان‌های دیگری از بزرگان و پیشوایان دینی پیدا کنید که

مثل همین داستان بخش بیشتر بدانیم باشد و بیاورید سرکلاس بخوانید. هر جلسه یکی دو نفر می‌آورند و می‌خوانند که برای اثبات وجود خدا، خوب و مفید بود.

برای اینکه بچه‌ها با کتاب‌ها هم آشنا شوند، پس از تشکیل جلسه‌ای با والدین در اول سال، دانش‌آموزان را به مرکز خرید کتاب ساندچ می‌برم. **علی بهشتی:** همکار محترم می‌روند درست می‌فرمایند. ای کاش در چندین درس چنین داستان‌هایی باشد تا همه معلمان بتوانند این کار را بکنند. اما من که در مدرسه تیزهوشان تدریس می‌کنم، اگر بخواهم بچه‌ها را از در حیاط مدرسه بیرون ببرم. باید مجوز داشته باشم. بارها خواسته‌ام بچه‌ها را به مسجدی ببرم که همسایه مدرسه است، گفته‌اند باید رضایت کتبی والدین باشد که کار مشکلی است.

**جعفری:** ما در آموزش و پرورش «سند تحول بنیادین» داریم. در این سند روی ایجاد عدالت آموزشی تأکید شده است. بهره‌مندی دانش‌آموزان از آموزش می‌تواند نمونه‌ای از این عدالت باشد. یکی دیگر از مصادیق عدالت آموزشی، بر خورداری دانش‌آموزان از احکام است. لطفاً به گوش مسئولان برسانید، در قسمتی از کتاب، احکام دینی (اهل سنت و اهل تشیع) حتماً بیاید. به ویژه اگر در پایان کتاب احکام را بیاورند، خیلی بهتر است.

### نظر شما را همکاران آقا نیز یادآوری کردند.

**جعفری:** سند بنیادین باید عملیاتی و اجرا شود، و گرنه هیچ فایده‌ای ندارد و تمام زحمات به هدر می‌روند. یکی از اهداف سند تربیت انسان وارسته و ملتزم به اصول اخلاقی و دینی است. ما باید دانش‌آموز را برای ظهور منجی آماده کنیم. وقتی دانش‌آموز شاهد اختلافات باشد و ببیند این و آن یکدیگر را قبول ندارند، نمی‌تواند برای آن هدف موردنظر آماده شود.

**علی بهشتی:** من همیشه احکام هر دو گروه را برای همه بچه‌ها بیان می‌کنم. هم اهل تشیع و هم اهل تسنن در کلاس حضور دارند و خیلی هم خوب است. لذا باید دقت کرد که لزومی ندارد احکام اختلافی در جزئیات بیابند.

این مورد را هم یادآوری کنیم: بهتر است، «ضمیمه کتاب» پیام‌های آسمان اول سال همراه کتاب باشد تا دانش‌آموزان آن را از جلسه اول داشته باشند. معمولاً آذرماه ضمیمه در دسترس قرار می‌گیرد و اول سال ناچار می‌شویم از آن به تعداد اعضای کلاس کپی تهیه کنیم. اگر ضمیمه کتاب نباشد،

**سند بنیادین باید عملیاتی و اجرا شود، و گرنه هیچ فایده‌ای ندارد و تمام زحمات به هدر می‌روند. یکی از اهداف سند تربیت انسان وارسته و ملتزم به اصول اخلاقی و دینی است**



نمی‌توانیم تدریس کنیم.

**میرهوند:** طرحی که برای موضوع‌های کتاب درسی خدمت شما داده‌ام (۱. اثبات وجود خدا، ۲. آدم و ...) اهمیت دارد، زیرا بچه‌ها احکام را در خانواده یاد می‌گیرند.

اثبات وجود خدا برای همه لازم است. حتی اگر یک نفر مسیحی هم سر کلاس بیاید، متوجه می‌شود که بحث اعتقادی مسلمانان جدی است.

**البته خواسته شما قابل توجه است، ولی باید عنایت کرد که در همین زمینه دیدگاه دیگری هم مبنی بر لزوم آموزش احکام دینی وجود دارد که باید به آن دیدگاه هم توجه شود.**

**میرهوند:** بنده هم مطرح کردم تا نقطه‌ای باشد برای آغاز تفکری که ان‌شاءالله همه چیز بین مسلمانان به سمت هم‌گرایی و وحدت سوق پیدا کند و خدای نکرده مفاد اختلافی در کتاب درسی نباشد.

نویسنده برای آسان‌سازی یاددهی و یادگیری از امکانات متفاوت مثل تصویر استفاده می‌کند. به‌نظر شما بعد هنری و کار گرافیکی کتاب (طراحی صفحه، استفاده از طرح و تصویر، اندازه حروف، عنوان‌های میان‌متنی و ...) در خدمت هدف درس و در راستای آموزش مناسب قرار دارند؟ آیا عنوان کتاب «پیام‌های آسمان» با محتوای کتاب هم‌خوانی دارد؟

**علی بهشتی:** روی جلد کتاب طرح مسجدی را

آورده‌اند که گرچه جالب است، ولی به بچه‌ها القا می‌کند که دین را در نماز خواندن خلاصه کنند. در حالی که دین باید در زندگی جریان بیابد و مبنای اخلاق قرار بگیرد. آموزه‌های دینی باید در رفتار پدر و مادر مشهود باشد. دین این نیست که فقط در رفتار کسی که در مسجد نماز می‌خواند، تجلی بیابد و کسی که در خانه نماز می‌خواند، فکر کنیم چنین نیست. تصویر اهمیت دارد. شما تصویرهای کتاب‌هایی را که در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی تدریس می‌کنند، ببینید. خیلی جذاب‌تر از تصویرهای کتاب‌های دینی مدارس است. آن‌ها با دیدن آن عکس‌ها بهتر متوجه درس می‌شوند.

**آنان در کنار مؤلف، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را دارند و کتاب را با دید روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تألیف می‌کنند. ما این موارد را یا نداریم یا کم داریم.**

**میرهوند:** همان‌طور که می‌فرمایید، باید تمام کارشناسان مناسب موضوع دور هم جمع شوند. به نظرم عنوان کتاب باید تغییر کند. عنوان «دین و زندگی» بهتر است که جای «پیام‌های آسمان» را بگیرد. وقتی به بچه‌ها گفتم، شما از نظر دین‌داری چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید، به غیر از یکی از بچه که به خودش نمره ۱۷ داد، بقیه ۹، ۱۰ و ۱۱ به خودشان دادند. پرسیدم: چه کسی گفته است که شما دین ندارید؟ گفتند: این نمره ورود ما به جهنم است. گفتم: چنین نیست،



**بنده این نکته را مطرح کردم تا نقطه‌ای باشد برای آغاز تفکری که ان‌شاءالله همه چیز بین مسلمانان به سمت هم‌گرایی و وحدت سوق پیدا کند و مفاد اختلافی در کتاب درسی نباشد**



**به بچه می‌گوییم:**  
**نماز خواندن ما فقط با این هدف نیست که حرکاتی انجام دهیم، بلکه راهی است برای ارتباط با خداوند و برای اینکه روح ما نیز به شارژ نیاز دارد و نماز و ارتباط و اتصال به خداوند ما را و روح و جان ما را شارژ می‌کند**

بلکه نمره‌های شما ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ است. رحمت خداوند خیلی زیاد است، به شرطی که خودتان هم تلاش کنید که به خداوند نزدیک شوید. بعد یکی پرسید: «خانم من می‌توانم با کت و شلوار نماز را بخوانم؟ مادرم مسخره‌ام می‌کند!» گفتم: «آری می‌توانی بخوانی.» با بچه‌ها باید به زبان خودشان صحبت کرد. نگاه کنید به تصویرهای کتاب، همه یک نوع لباس دارند.

**علی بهشتی:** دانش‌آموزانی که این تصویرها و طرح‌ها را می‌بینند، می‌گویند این‌ها مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش‌اند و با زمان ما ارتباطی ندارند.

آیات کتاب درسی قرآن خیلی زیادند و من در کنارش تفسیر و داستان زندگی پیغمبران را می‌گویم. خودم یک «سی‌دی» با محتوای تمام آیاتی که مربوط به معجزه‌اند، فراهم کرده‌ام. می‌گویم، بچه‌ها قرآن فقط برای خواندن و کسب ثواب از این راه نیست، بلکه تعدادی از چیزهایی را که تاکنون و بعدها علم ثابت کرده و می‌کند، در قرآن هست. مثل خلقت انسان از زمانی که نطفه تشکیل می‌شود تا زمانی که می‌میرد و پس از آن. تمام فیلم‌های مربوط به این آیات را در سی‌دی گنجانده‌ام. و به بچه‌ها نشان می‌دهم. علاقه بچه‌ها تا آن حد است که زنگ غیر قرآن هم می‌گویند: «خانم شما به کلاس ما بیایید!»

بیشتر بچه‌ها را به فاز اعجاز قرآن می‌برم تا از آن طریق قرآن را بشناسند. می‌گویم: بچه‌ها نماز خواندن ما فقط با این هدف نیست که حرکاتی انجام دهیم، بلکه راهی است برای ارتباط با خداوند و برای اینکه روح ما نیز به شارژ نیاز دارد و نماز و ارتباط و اتصال به خداوند ما را و روح و جان ما را شارژ می‌کند. ما که از باتری تلفن همراه کمتر نیستیم؛ هر چند ساعت هم به شارژ نیاز دارد وگرنه کار نمی‌کند!

کل واژه‌ها را بچه‌ها روی کارت‌ها می‌نویسند؛ کارت‌هایی که پشتش آهن ربا دارد. با این کارت‌ها مسابقه برگزار می‌کنم. دو نفر از بچه‌ها داور می‌شوند و یکی مجری. من فقط می‌نشینم و نمره هر نفر را می‌دهم. در حقیقت به صورت پازل، آیات را با قرار دادن کارت کلمات کنار هم، کامل و بعد معنی فارسی می‌کنند.

**جعفری:** دانش‌آموزان در این سن و سال تنوع طلب‌اند. دانش‌آموزی می‌گفت: چرا در این کتاب به حج نپرداخته‌اند؟ کتاب نقص دارد و باید رفع

نقص کرد. الان دانش‌آموز ما در سن و سالی قرار دارد که تنوع‌طلب است. خوب به این تنوع‌طلبی تا حدی می‌توان با تنوع بخشیدن به طرح‌ها و تصویرها جواب داد. به‌نظرم خوب است، کتاب دینی از ابتدا تا انتهای دوره تحصیلی یک عنوان داشته باشد. آیا مهارت زندگی فقط در دبیرستان مهم است که عنوان کتاب دبیرستان را «دین و زندگی» گذاشته‌اند؟ برای تمام عمر آدمی اهمیت دارد.

### با فضای مجازی چه‌طورید؟

**علی بهشتی:** حتما درباره فضای مجازی باید متناسب با کتاب درس دینی و قرآن بحث شود. برخی از دبیران می‌گویند فضای مجازی را زیاد مطرح نکنیم، زیرا سبب گرایش بچه‌ها به آن می‌شود.

**میرهوند:** بنده با بچه‌ها یک گروه تشکیل داده‌ام. ابتدا بچه‌ها از چارچوب خارج می‌شدند، اما با ایجاد کانال، حالا خانواده‌ها عضو گروه شده‌اند. برنامه‌های روزانه دینی، مسائل علمی، تغذیه سالم، پوشش مناسب و ... را مورد بحث قرار می‌دهیم. من جمع‌بندی کنم. کتاب در دوره ابتدایی برنامه خاص خودش را دارد و در دوره راهنمایی بنای کار را بر این برنامه گذاشته‌ام که برای سال اول متن آن را خدمت شما داده‌ام و بیان کرده‌ام.

بعد از آن باید در پایه دوم به فلسفه زندگی پردازیم. البته نه مستقیم، بلکه باید غیرمستقیم نظریات مخالف را مطرح و با استدلال آن‌ها را رد کنیم. پنهان کردن این فضای فکری ممکن نیست، زیرا در فضای مجازی همه این نظریات وجود دارند و دانش‌آموزان می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند، بدون اینکه دیدگاه مخالف آن‌ها را بدانند.

**آوردن این همه موضوع با توجه به کمی زمان تدریس، آیا سبب پراکنده‌گویی نمی‌شود؟ آیا دانش‌آموز در این سن و سال کشش و قدرت هضم مطالب سنگین را دارد؟ گرچه می‌فرمایید نه در یک سال که برنامه چند سال است، ولی حتی یک نظریه جافتاده را نمی‌شود در یک کتاب به‌راحتی رد کرد. چه‌طور می‌خواهید تئوری‌های مختلف جافتاده را که کلی بحث برانگیخته‌اند، در یک درس آن هم در سطح دانش‌آموزی رد کنید؟**

**علی بهشتی:** آن نظریه‌ها باید در کتاب دبیرستان مطرح شوند.



**ما برنامه درسی ملی داریم. همه چیز باید قانونمند باشد. در برنامه درسی ملی آمده است که دانش آموز باید با خود، جهان، جامعه و خدا آشنا بشود و این هدف عصری دارد**

دارند. باید اول این مشکل حل شود. وقتی بزرگ‌تر می‌شوند و تشکیل زندگی می‌دهند، باید قرآن را درست بخوانند تا بچه‌هایشان ببینند که پدر و مادرشان حداقل قرآن را درست می‌خوانند. برای حل این مشکل بزرگ، باید از دوره ابتدایی به آموزش روخوانی و درست‌خوانی قرآنی توجه داشت و در دوره راهنمایی باید آموزش تجوید ببینند.

**جعفری:** همان‌طور که در دوره‌های متوسطه ۱ و ۲ به تخصص معلم توجه می‌شود، در دوره ابتدایی نیز این موضوع باید رعایت شود. نباید اجازه بدهند، هر معلمی کتاب دینی و قرآن را تدریس کند. حتی به معلم ورزش هم اجازه می‌دهند این کتاب را تدریس کند. این کار درست نیست و نتیجه همان می‌شود که همکارمان فرمودند. یعنی در دوره دبیرستان بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را صحیح بخوانند. نباید کلاس دینی و قرآن را به درس ریاضی اختصاص داد، این کار تبلیغ ضد دینی است.

**میرهوند:** کتاب باید زیر نظر متخصصان علوم دینی و قرآنی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت تألیف شود. طراح کتاب هم باید، ضمن تخصص در کار خودش از تعالیم دینی و قرآنی، مطلع باشد تا بتواند طرح‌ها و تصویرهایی را خلق کند که دانش‌آموز با دیدن آن‌ها به تفکر وادار شود. دروس را باید از این وضع پراکنده خارج کنند. می‌توانند برای هر درس از یک رنگ استفاده کنند. چاپ کتاب باید چشم‌نوازتر و جذاب‌تر شود. نباید صفحات زیاد سفید باشند. به‌طور کلی با پراکندگی کنونی مطالب این کتاب، به نظرم هدفش سردرگم کردن دانش‌آموزان است.

**علی بهشتی:** هر سال کلی برای چاپ کتاب هزینه می‌شود، چرا؟ به این علت که دانش‌آموزان امسال که به کلاس بالاتر می‌روند، کتاب‌های قبلی را دور می‌ریزند. حتی در یک خانواده هم که چند نفر دانش‌آموز دارد، همین کار را می‌کنند. این کار اسراف و هدر دادن اموال عمومی است. باید کتاب‌ها طوری چاپ شوند که دانش‌آموزان مثل جواهر از آن‌ها محافظت کنند و در پایان سال کتاب‌های سالم و تمیز سال قبل را تحویل بدهند و کتاب سال جدید را دریافت کنند. باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد. به این ترتیب، هزینه هنگفتی را که هر سال صرف چاپ کتاب‌های درسی می‌شود، می‌توان صرف نیازهای دیگر مدارس کرد.

**متشکریم، موفق باشید.**

**میرهوند:** عرض کردم که دوره متوسطه اول این برنامه‌ها را دارد. ما فکر می‌کنیم ساعت تدریس کم است. وقتی کتاب از برنامه‌هایی مثل بیندیشیم و برنامه‌های دیگر پر شده است، قطعاً زمان کافی باقی نمی‌ماند. ولی اگر ابتدا آیه‌ای بیاید و بعد داستان مرتبط را بدون سؤال‌های پراکنده بیاوریم، زمان کافی در اختیار خواهیم داشت.

الان دخترم در دوره ابتدایی دارد مطالبی می‌خواند که دانش‌آموز دبیرستانی هم متوجه نمی‌شود. چرا؟ برای اینکه متوجه شده اند، مغز انسان قابلیت جذب دارد، اما ما نباید مطالبی از این شاخه و از آن شاخه وارد ذهنش کنیم. باید هدفمند برنامه‌ریزی کرد. به نظرم برنامه‌ای که ارائه داده‌ام، برای رسیدن به همین هدف تهیه شده است. می‌تواند در پایه‌های متفاوت تحصیلی ادامه یابد و در دوره دبیرستان به دیدگاه فلاسفه می‌رسد که می‌توان آن را به‌صورت تطبیقی یا دیدگاه اسلام بررسی کرد و در درس‌های دو صفحه‌ای، رجحان فکر اسلامی را به‌صورت مستدل نشان داد. به این ترتیب بنیان اعتقادی دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

**جعفری:** ما برنامه درسی ملی داریم. همه چیز باید قانونمند باشد. در برنامه درسی ملی آمده است که دانش‌آموز باید با خود، جهان، جامعه و خدا آشنا بشود و این هدف عناصری دارد که عبارت‌اند از: تعقل، علم، عمل، اخلاق و همه هم در این کتاب خلاصه می‌شوند. اما معلم دینی به‌تنهایی نمی‌تواند این برنامه را اجرا کند و اعضای جامعه فرهنگی همه باید دست به دست هم بدهند تا بتوانند براساس آنچه خدا، پیامبر و معصومین خواسته‌اند، برنامه تحول بنیادین نظام آموزشی را اجرا کنند. لذا ما باید فرمان را بر کتاب درسی متمرکز کنیم و ببینیم چه موضوع‌هایی برای تعالی دانش‌آموز در آن گنجانده شود. با خودمختاری نمی‌توان برنامه‌ای را پیش برد. باید براساس قانون حرکت کنیم. ما هر کدام روش تدریسی داریم، ولی باید این روش تحقق برنامه کتاب باشد.

**میرهوندی:** ما هم درباره همین کتاب داریم صحبت می‌کنیم و با استدلال گفتیم: این کتاب با این موضوع‌ها کارآمدی کمتری دارد.

**می‌رسیم به دقایق پایانی گفت‌وگو درباره کتاب پایه هفتم، «پیام‌های آسمان».** صحبت‌های شما را برای ختم جلسه می‌شنویم.

**علی بهشتی:** در قرآن بچه‌ها مشکل روخوانی